

بسم الله الرحمن الرحيم

مراحل

سیر و سلوک

۹

طریقه عشق و عرفان

از دیدگاه عرفای بزرگ

مؤلف: استاد ملکیان اصفهانی

ملکیان اصفهانی، رسول

سیر و سلوک و طریق عشق و عرفان از دیدگاه عرفای بزرگ / نویسنده رسول ملکیان اصفهانی.
اصفهان: شهید حسین فهمیده، ۱۳۸۳.

ISBN 964 - 7400 - 82 - 9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتابنامه: ص ۱۸۵.

۱. آداب طریقت. ۲. عارفان. ۳. عرفان.

الف عنوان.

۲۹۷/۸۳

س ۹ م ۷/۶/۲۸۹/۶۲ BP

۸۳-۹۷۱۴ م

کتابخانه ملی ایران

انتشارات شهید حسین فهمیده

۰۳۱۱-۴۴۶۲۲۸۳



کتابسرای
نوارام

سیر و سلوک و طریق عشق و عرفان

مولف: رسول ملکیان اصفهانی

ناشر: انتشارات شهید فهمیده

نوبت چاپ: اول تابستان ۸۳

لیتوگرافی: ثامن ۲۳۶۰۰۸۴

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول	مقدماتی دربارهٔ سیر و سلوک
واژهٔ سیر و سلوک	۹
معنی سیر	۹
معنی سلوک	۱۰
علل بی‌اعتنایی نسبت به این امر حیاتی (سیر و سلوک)	۱۱
صفات و خصوصیات عالم ربّانی	۱۴
پراکندگی در گروه‌های عرفانی	۱۵
عیوب اصلی ما	۱۶
خلاصه‌ایی از «صراط مستقیم سالک»	۱۶
نیروهای انسان	۱۹
فصل دوم	مراحل سیر و سلوک
مرحلهٔ اول: طلب	۲۲
مرحلهٔ دوم: تهذیب اخلاق	۲۳
مرحلهٔ سوم: راه روان به سوی حقتعالی و پدید شدن احوال	۲۴
مرحله چهارم: شوق و اضطراب	۳۱
مرحله پنجم: عشق و محبت	۳۶
مرحله ششم: سکر و حیرت	۴۴
مرحله هفتم: فناء و فقر	۴۶
مرحله هشتم: توحید	۵۸

فصل سوم . ارکان اربعه سلوک

۶۲	رکن اول ⇐ مشارطة.....
۶۴	رکن دوم ⇐ مراقبة.....
۶۷	رکن سوم ⇐ محاسبة.....
۶۹	رکن چهارم ⇐ سلوک معاتبه و معاقبة و مجاهدة.....

فصل چهارم درجات و مراتب سالک

فصل پنجم نظریه های سیر و سلوک

۸۱	۱ - نظریه علامه سید محمد حسین طباطبائی (قدس سره).....
۸۳	توحید نزد عارفان.....
۸۷	توحید از دیدگاه امام خمینی (قدس سره).....
۱۰۰	۲ - نظریه حضرت امام خمینی (قدس الله سراره).....
۱۱۵	۳ - نظریه علامه بحر العلوم (ره).....
۱۳۰	منازل سالک.....
۱۳۵	عوالم میان خدا و انسان.....
۱۴۵	۴ - نظریه ابوعلی سینا.....
۱۵۶	۵ - نظریه فلوطین.....
۱۵۹	۶ - نظریه حکما بطور عموم.....
۱۶۶	۷ - نظریه حضرت آیت الله جوادی آملی.....
۱۷۶	سخن پایانی: آخرین و اولین منزل سالک.....
۱۸۵	منابع.....

مقدمه

حمد و سپاس و ستایش بی حد و قیاس خالق که آینه مصفای عالم را به روح با صفای آدمی مجلی ساخت تا جمال در او مشاهده نماید، و علم شمس اسماء و اقمار صفات از مشرق ذات به سرِ عالمیان برافراخت تا از مکامنِ علم به اظهار مظاهر عین آمد، سبّوحی که هر چند به تجلّی ذات در مرایای صفات و به اظهار صفات در مظاهر مکنونات جمال خود را جلوه داد و براقع تعزز و کبریاء از روی دلارای شاهد احدیت ذات به دست مشاطه تعینات بگشاد تا از ظهور و ظهور نور او آفتاب عالمتاب شرمنده شده، و از پرتو اشعه انوار حضور او هر ذره خورشید رخشنده گشته.

و صلاتِ صلوات نامیات، و تحف تحیات زاکیات بر نبی مصطفی و رسول مجتبی، مظهر اسم اعظم، سید ولد آدم واسطه ظهور مکنونات از مکامن غیوب و مقار عدم، نقد گرانمایه خزاین وجود و کرم، سلطان تخت رسالت، ساکن صدر جلال، پاشنده جوهر جود، بخشنده سرمایه وجود، غواص دریای احدیت، سیاح صمدیت، ریحان باغ بلاغ، سلطان جهان مازاغ، مشرق صبح صادق کبریاء....

قمر مهجه ای از لوای جلالش فلک فلکه ای از عمود خیامش

سمند فلک کی شکافد غبارش کمند نظر کی رسد بر مقامش

و بر آل و اصحاب و احبابش که مقتبسان انوار هدایت و عرفان انداز مشکات اقوال و افعال او، و مغترفان زلال درایت و وجدان انداز حیاض اخلاق و احوال او. نیست اندر دست ما غیر از درودی والسلام.

۱ - کلمات «تصوف»، و «عرفان» و «سیر و سلوک» مسیر طولانی در دل تاریخ

پیموده است و حتی در زمان واحد در مکانهای واحد و حتی در کتابی واحد معانی مختلفی از آن اراده شده است، جانشینی این سه کلمه به جای همدیگر مسئله را بسی پیچیده تر نموده است ولی بطور کلی قرابت این کلمات با همدیگر حاکی از هم معنا بودن آن در بخشی از تاریخ گذشته بوده است، ولی نمی توان با کلمه «تصوف» و «سیر و سلوک» بیگانگی از خود نشان دهیم.

۲ - تصوف در ایران اسلامی سابقه ای دیرینه دارد و بر مبنای همین سابقه طولانی است که مکتبی پخته، ساخته و صیقل دیده از آب درآمده و حتی امروزه که مظاهر تمدن و درگیریهای دنیای ماشین زده مجال پرداختن به مکاتب اعتقادی را نمی دهد و برای هر چیز دیگر جز تلاش جا را تنگ کرده، تصوف با تغییر چهره برای عده ای سلاحی شده است مقابله گر در برابر بیدادها.

۳ - برای آموختن هر علمی و معرفتی استادی و مکانی لازم است، و در قرون گذشته اسلامی مخصوصاً از قرن چهارم تا دهم هجری برای علم و معرفت از راه دل - فطرت اساتیدی به عنوان اولیاء و قطب و مولی و ولی و امثال ذلک و مکانهایی به نام «خانقاه» بوجود آمدند، همچنانکه برای علوم و معارفی به نام «فقه» و «اصول فقه» اساتیدی به نام فقیه و مجتهد و ثقة الاسلام و طلبه و مکانهایی به نام «حوزه های مقدس علمیه» بوجود آمدند که این گونه مکانها هیچ گونه تعارضی با «مساجد» نداشتند بلکه بنابر ضرورت و در کنار مساجد نشو و نما پیدا کردند. جنگ و جدال و نزاع دائمی بین منابع شناخت یعنی «وحی - عقل - دل - حس و تجربه» و حامیان آنها همیشه بوده است و کمتر افرادی توانسته اند بین آنها جمع نمایند، هر چند که نکته مهم آنکه در این میان همیشه افرادی سیاه لشکر بوده اند و یا سبب شکست یکی از دسته جات فوق می شده اند. اینکه در تاریخ تصوف چه کسانی به نام صوفی چه اعمالی از آنها (خلاف شرع مقدس اسلام) سر زده است و

یا حتی اشباه الرجالی که کتبی نادانسته در فن و علم تصوف تصنیف نمودند که مخرب اسلام بود، مطلبی نیست محضر به «تصوف و صوفیان» بلکه در همه ملل و نحلای علمی اسلامی چنین موضوعی یافت می‌شود، خاصه آنکه به تعبیر استاد شهید مطهری (قدس سره) در کتاب علوم اسلامی «اهل عرفان هرگاه با عنوان فرهنگی یاد شوند با عنوان «عرفا» و هرگاه با عنوان اجتماعی‌شان یافت شوند غالباً با عنوان «متصوفه» یاد می‌شوند» و همین اختلاط بیش از حد تصوف با اجتماع بود که سبب بدنامی آنها گشت و اعمال بسیار خلاف اصول مسلم اسلامی از صوفیان غیر حقیقی سرزد، ولی هیچگاه نباید سهم متصوفه و صوفیان حقیقی که راه تصفیة باطن که یکی از طرق نجات است را پیش گرفتند و سهم عظیمی که در ساختن فرهنگ اسلامی دارند فراموش کرد. برای تحقیق بیشتر خوب است به هزاران اثر علمی و ادبی و اسلامی که از این علماء اسلامی به جا مانده است نظری بیندازیم. (رجوع شود به کتاب «ارزش میراث صوفیه» نوشته عبدالحسین زرین کوب). و همین طور جا دارد اشاره کنیم مرحوم استاد شهید مطهری (قدس سره) در کتاب گرانسنگ خویش «خدمات متقابل اسلام و ایران» بخشی را اختصاص به «تصوف و عرفان» نموده است با همین عنوان. و کتبی با همین عنوان توسط اساتید بزرگی در زمان معاصر تألیف و در مراکز علمی و دانشگاهی تدریس می‌گردد.

البته در قرنهای اخیر (سه قرن معاصر) جریانهای استعماری زیادی نیز در نشر کاذب صوفیه برای نابودی اسلام و از بین بردن وحدت مسلمین و جدایی دین از سیاست فعالیت داشته‌اند که بررسی بسیار مفصلی را می‌طلبد.

۴ - در طول تاریخ بعضی از علوم لباس و چهره و نام عوض کرده‌اند ولی حقیقت آنها ادامه پیدا کرده است و اشکال آن عوض شده است. به خاطر قدرتی که اخباریون در قرنهای دهم و یازدهم در مقابل همه گروههای علمی در اسلام پیدا

نمودند و افراد شاخصی در میان آنها قد علم نمودند، شکست سختی به بسیاری از متصوفان و فیلسوفان و فقهاء اصولی مسلک و مفسرین خرد ورز دادند و تبلیغات وسیعی را به کمک حکومت‌های وقت بر علیه اینها به راه انداختند، که در رابطه با «تصوف» باید عرض شود که دیگر از حالت علنی خارج گردید و به شکل دیگری (سینه به سینه) رایج گردید و حتی از مکانهای قبلی «خانقاه» به درآمدند که خود داستان مفصل و دلربایی دارد.

۵- باری عرفان اسلامی (و تصوف) با وجود عناصر غیر اسلامی که دارد همچنان اسلامی است، نه زهد و فقر آن رنگ رهبانیت نصارا دارد نه فنای آن با نیروانای هندوان که بعضی بخطا آن را اصل نظریه فنا شمرده‌اند، هیچ مناسبت دارد. اگر از فیض و اشراق و کشف و شهود هم صحبت می‌کند آن را از قرآن و خبر نیز بیگانه نمی‌یابد و بهر حال صوفی و یا سالک در قرآن و سنت برای طرز فکر و کار خویش تکیه‌گاه بسیار می‌تواند یافت و خطاست که بخواهند منشأ تصوف و یا سیر و سلوک را خارج از قلمرو شریعت اسلامی و تنها در آیین مسیح، مانویت، مذاهب هندوان یا حکمت نو افلاطونی بجویند. به علاوه آیا تصوف اسلامی که خود از عرفان مسیحی و هندی و از حکمت نو افلاطونی تأثیر پذیرفته است در دنیای مجاور خویش بی تأثیر مانده؟ ظاهراً نمی‌توان قبول کرد که اسکولاستیک اروپا و عرفان آن ازین تأثیر بکلی دور مانده باشد. دو فرقه هوسپیتالی، و تمپلر در دنباله جنگهای صلیبی بی‌شک از برخورد با صوفیه شام و مصر بعضی عقاید و رسوم آموخته‌اند. هم دانه در «کمدی الهی» خویش مدیون ابن عربی و بعضی نویسندگان شرقی شد و هم ریمون لول حکیم و عارف مسیحی که یک چند در بین مسلمین سفر کرده بود. و هم ماجرای جست و جوی جام مسیح - گرائال - نیز از تأثیر عرفان اسلامی خالی نیست. بعضی اقوال «سن فرانسواداسیز» هست که کلام

صوفیه اسلامی را به خاطر می‌آورد هر چند شاید از آنها به طور مستقیم نگرفته باشد. بهر حال قرابت فکر جالب است و در خور تأمل.

۶ - در حدود دو قرن اخیر کلمه «تصوف» به عنوان یک لفظ محکوم و طرد گردید و واژه «عرفان» جایگزین آن گردید و دیگر هر کس می‌خواهد در زمان ما راه دل و فطرت را نشان بدهد کلمه «عرفان» را به کار می‌برد.

به خصوص آنکه بسیار از بزرگان و دانشمندان اسلامی سعی کردند بین «فقه و اصول فقه» با «عرفان و سیر و سلوک و اخلاق» و حتی علوم اسلامی دیگر جمع نمایند و توفیقات زیادی در این راه برای افراد میسر گردید.

۷ - در رابطه با احادیثی که از اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین نقل گردیده است و تعداد آنها هم کم نیست و حتی این حقیر حدود ده جلد کتاب حدیثی در این رابطه سراغ دارم باید عرض شود که این احادیث موضوعه و مجعوله هستند و از درجه اعتبار با معنی که ما الان اراده می‌کنیم ساقط می‌باشد، زیرا شما عنایت کنید به احادیث زیادی که در رابطه با «تحریف قرآن»، «سب و ذم مردم فلان منطقه، و یا فلان سرزمین و خوردن فلان میوه‌ها و...» و امثال ذلک که بسیار است و این نیاز به یک بحث مفصل درایة الحدیثی دارد. نکته مهم آن است که با زمینه‌های تاریخی در صدر اسلام و بعد از آن و دهها مسئله دیگر بایستی علت صدور این گونه احادیث را پی‌برد. زیرا با فرض مسلم گرفتن صدور این گونه روایت‌ها و دلالت آنها بایستی دید آیا مسلمانانی که طریقه خودسازی و تهذیب نفس را حقیقتاً همراه دستورات شرع مقدس و تکالیف ظاهری به عنوان صوفی و یا سالک گرفته‌اند، را شامل می‌گردد یا خیر؟ که مسلماً شامل نمی‌شود.

۸ - اما نکته اجتماعی آنکه، اگر خواستیم جوانان و دانش پژوهان (طلبه و دانشجو) را دعوت به حق و صراط مستقیم نماییم، باید طرق مختلف را به آنها

خوب نشان بدهیم و حق انتخاب و تحقیق را برای آنها محفوظ بداریم و با سعه صدر از منزلی به منزلی دیگر راهنمایی و هدایت کنیم، همچنان که سیره قرآن و چهارده معصوم (ص) چنین است. شما نگاه کنید به درد و دلهای امام اولیاء حضرت امام خمینی (قدس سره) که درس تفسیر را مجبور به ترک شدند. (ادعوا إلى الله على بصيرة انا و من اتبعنى) (سورة يوسف - آیه ۱۰۸)

۹ - جای هیچ گونه شک و تردید نیست که از مطالب بسیار مهم و سرنوشت ساز برای هر انسانی علوم نظری و عملی (عرفان، تصوف، اخلاق اسلامی، سیر و سلوک) می باشد، لکن دقت در نظر و عمل این گونه علوم کار چندان آسانی نیست. ۱۰ - اسلام که پیروانش را هم در امور دنیوی و مادی و ناسوتی هدایت می کند و هم مسائل معنوی، روحانی و ملکوتی را عهده دار است و به تعبیری از عرش تا فرش، فرد و جامعه را به عهده دارد، دستورات بسیار مهمی درباره سیر و سلوک انسان به سوی الله دارد.

۱۱ - در قرآن کریم که مهمترین سرچشمه تمام علوم اسلامی است درباره سیر و سلوک انسان به طرق گوناگون اشاره و دلالت و هدایت دارد، از یک طرف عالی ترین نوع سلوک را در سورة دهر نسبت به خانواده اهل بیت دارد، و از یک طرف دیگر مائده آسمانی در محراب عبادت؛ و از یک طرف گاوی می تواند منشاء هدایت و اسرار باشد، و یا اینکه دریا در مقابل موسی (ع) شکاف بخورد و طریق شود و صدها نمونه دیگر. ولکن موضوع بسیار مهم این است که شاخص اعتدال را برای سیر و سلوک پیدا کنیم، زیرا انسان دائماً در حال افراط و تفریط است، و برای اینکه از دام انحراف از «صراط مستقیم» و جاده «حق در مقابل باطل» راه نجاتی پیدا کنیم باید سعی و تلاش مضاعف کنیم.

۱۲ - در اسلام راههای سیر و سلوک زیادی از طرف اولیاء الهی پیشنهاد گردیده

است که همه آنها و یا اکثراً منشاء اسلامی و الهی دارد، لکن ما تنها می‌توانیم یک گزینه انتخاب کنیم شما (نگاه کنید به مکاتبات عرفانی سیداحمد کربلایی و حسینقلی همدانی و امثال اینها).

۱۳ - در جهان غیر اسلام به خصوص در عالم شرق (هند - چین و...) علمی که درباره سیر و سلوک نوشته شده است بسیار زیاد است، که در چند سال اخیر تعداد زیادی از این کتابها در کشور ما با پشتوانه‌های بسیار زیاد مادی و معنوی به چاپ رسیده است، لکن در همین جا باید اعتراف کرد که کتب عرفانی و سیر و سلوک اسلامی متأسفانه در جامعه ما هنوز جایگاه خودش را پیدا نکرده است. چه نقدهایی بر آن کتابها نوشته شده است و چه کتابهایی ما تصنیف کرده‌ایم؟ سؤالی است که جواب آن را باید علما و دانشمندان دین بدهند.

۱۴ - در میان علوم اسلامی هیچ علمی شاید به اندازه عرفان و تصوف و سیر و سلوک مورد موافقتها و مخالفتهای جدی قرار نگرفته است، و به خصوص عده زیادی این علم را در مقابل اخلاق اسلامی فرض کرده‌اند و عده دیگری در مقابل شریعت و فقه در نظر گرفته‌اند، بعضی آن را ساخته و پرداخته دولتهای استعمارگر دانسته‌اند، و این به خاطر عدم تبیین و تشریح صحیح این علم در زمانهای قدیم به شکلی و در زمان ما به شکل دیگری بوده است.

در پایان مقدمه باید متذکر شویم که هدف اصلی ما در این کتاب آشنا کردن مخاطبان و به خصوص نسل جوان با زاویه‌هایی از این علم مقدس و شریف بوده است، به امید اینکه این علم شریف هم از بُعد نظر و هم از بُعد عمل به دوران اوج و شکوفایی حتی بیش از گذشته برگردد.

رسول ملکیان اصفهانی